

واکاوی کوچ زودرس بهاره عشایر استان فارس

چکیده

زندگی عشایر مبتنی بر کوچ مستمر به منظور تأمین علوفه دام از مراعع و دسترسی به شرایط مساعد آب و هوایی است. این روش زندگی دارای سابقه طولانی در ایران است که متناسب با شرایط اقلیمی شکل گرفته است. در سده اخیر تحولات زیادی در شیوه زندگی سنتی عشایر به وجود آمده است؛ به نحوی که عشایر کار کرد گذشته خود را ندارند. از جمله این تحولات می‌توان به تغییر زمان حرکت و کوچ عشایر اشاره کرد که اغلب به ورود زودهنگام دام به مراعع و تخریب آن می‌انجامد. با عنایت به این مهم، مقاله حاضر به ارائه نتایج یک تحقیق پیمایشی می‌پردازد که با هدف بررسی کوچ و ورود زودهنگام عشایر فارس به مراعع ییلاقی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند ورود زودهنگام عشایر به مراعع ییلاقی عمومیت دارد و میانگین آن در بین سه ایل قشقایی، خمسه و مسمنی به ترتیب برابر $17/5$ ، $2/1$ و $41/4$ روز و در مجموع، میزان متوسط آن $12/8$ روز است. همچنین، اغلب عشایر دام‌های خود را به صورت پیاده از قشلاق به سمت ییلاق کوچ می‌دهند و این روش در مقایسه با انتقال دام با ماشین، به کاهش ورود زودهنگام دام به مراعع ییلاقی می‌انجامد. نتایج مطالعه حاضر نشان داد عشایر در هنگام کوچ احساس امنیت کافی ندارند و از نظر آنان، گیاه بهمن و همچنین، خشکسالی می‌تواند به ترتیب 18 و 26 روز کوچ را به جلو اندازد. در مجموع، از دید عشایر، گماشتن قربان برای کوچ زودرس، به ترتیب کمبود آب و کمبود علوفه برای دام است. صیانت از ایل راه‌های عشایری، گماشتن قربان برای مراعع ییلاقی، افزایش تأمین امنیت کوچ، ایجاد اترافقگاه‌های موقت در مسیر کوچ به منظور تأمین خدمات حمایتی دام، انجام اقدامات لازم برای کنترل گیاه بهمن در مراعع قشلاقی، تأمین آب مورد نیاز عشایر با روش‌های مناسب و تأمین بخشی از علوفه مورد نیاز دام در سال‌های خشکسالی از پژوهش‌های این پژوهش برای کنترل کوچ زودرس عشایر است.

واژه‌های کلیدی: کوچ، عشایر، مراعع ییلاقی، فارس.

مقدمه

زندگی مبتنی بر کوچ و مرتعداری نوع خاصی از معیشت در مناطق خشک و نیمه خشک جهان محسوب می‌شود که بر مبنای رمه‌گردانی و بهره‌برداری از مراعع و علفزارهای طبیعی قوام یافته است. تخمین زده می‌شود که بین 100 تا 200 میلیون نفر در دنیا به این روش زندگی کنند (گراهن، ۲۰۰۸). سابقه این نوع زندگی در ایران به حدود 8 هزار سال پیش بر می‌گردد (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۹۲). از آنجا که معاش عشایر به دام متکی است، ناچارند برای تأمین علوفه مورد نیاز از

مرا תע و همچنین، دوری از گرما و سرمای طاقت‌فرسا، به کوچ بین دو ناحیه به نام ییلاق و قشلاق اقدام کنند. به همین علت، عشاير را کوچ‌نشين نيز می‌نامند. طبق تعریف، کوچ‌نشینی نوعی از زندگی است که در آن انسان از راه پرورش حیوانات و با برخورداری از فرآورده‌های کشاورزی زیست می‌کند و در پی چراگاه‌های طبیعی، سالیانه از محلی به محل دیگر نقل مکان می‌کند (امان‌الهی بهاروند، ۱۳۸۳: ۱۵۷). بدین ترتیب، مهمترین ویژگی‌های کوچ‌نشینی عبارتند از: وا بستگی انسان به حیوان، استفاده از چراگاه‌های طبیعی و جایه‌جایی انسان و دام به منظور بهره‌گیری از چراگاه‌های طبیعی و احتراز از سرما و گرمای شدید (نیک‌خلق و عسکری نوری، ۱۳۷۷: ۱۳۷۲). بنابراین، دام، مرتع و کوچ، سه رُکن اصلی تداوم حیات انسان کوچ‌نشین را تشکیل می‌دهند (مشیری، ۱۳۷۲: ۳۳). پایه فعالیت عمدۀ اقتصادی و شیوه معیشت عشاير بر پرورش دام بنا شده است و دوام دامداری سنتی مستلزم کوچ مستمر است. بنابراین، دامداری و کوچ در ارتباط متقابل هستند. بدون کوچ، رمه‌داری در سطح وسیع (از نظر کمّی و کیفی) امکان‌پذیر نیست و کمیت و کیفیت مرتع نیز تعیین‌کننده تعداد دام در چرای نسبی در مناطق ییلاقی و قشلاقی است. همچنین، کوچ می‌تواند تضمینی برای استفاده از منابع و کاهش اثرهای خشکسالی باشد و از نظر اقتصادی کارآمدتر از مرتعداری ساکن است. علاوه بر این، کوچ دارای مزایای اکولوژیک است؛ زیرا باعث استفاده دوره‌ای از مراتع می‌شود که در غیر این صورت و با چرای مستمر مراتع، ضمن کاهش پوشش گیاهی و گونه‌های خوش‌خوارک، فشردگی خاک افزایش می‌یابد و به تخرب مراتع منجر خواهد شد (نمیر-فولر، ۱۹۹۹)؛ برای مثال، می‌توان به وضعیت نامناسب مراتع روستایی در مقایسه با مراتع عشايری در ایران اشاره کرد که یکی از دلایل آن، استفاده مستمر از آنها به دلیل دسترسی دائمی روستاییان به مراتع است (موسی، ۱۳۸۲). البته، کوچ فقط به دلایل اکولوژیک صورت نمی‌گیرد. دوری از خشکی و بیماری‌های دام، اختلاف و تضاد، دسترسی به منابع جدید و داد و ستد می‌تواند دلیل کوچ باشد (یو.ان.دی.پی، ۲۰۰۳: ۴)؛ اما در مجموع، کوچ نوعی سازمان اجتماعی-اکولوژیکی (نودرت، ۲۰۱۰، ۲) و یک راه حل انعطاف‌پذیر در استفاده از منابع متغیر محسوب می‌شود (آدریانسن و نیلسن، ۲۰۰۲: ۲۱۶). همچنین، علت اصلی کوچ را می‌توان در افزایش بهره‌وری دامداری، استفاده بهتر از آب و چراگاه‌های طبیعی (جود، ۲۰۱۰: ۱۱) و مدیریت بهتر خطرپذیری (ریسک) در مناطق خشک جستجو کرد (مک‌آلیستر، ۲۰۱۰: ۳۷).

در گذشته نه چندان دور، کوچ عشاير بر اساس یک برنامه زمانبندی در ساختار قدرت ایلی تنظیم می‌شد و بدین شکل، بهترین زمان مناسب حرکت خانوارها و دام‌های عشاير از مناطق قشلاقی به مناطق ییلاقی و بر عکس، با توجه به تجربه و دانش بومی تدوین می‌شد که طی قرن‌ها به دست آمده بود. به همین علت، تنظیم زمان مناسب حرکت و شروع کوچ عشاير معمولاً توسط بزرگان ایل، مانند: خان، کلانتر و کدخداه‌ها انجام می‌پذیرفت و خانوارهای عشاير ایل تنها مجاز بودند در این زمان اقدام به جایه‌جایی و کوچ نمایند؛ اما در سال‌های اخیر، کوچ عشاير بین قشلاق و ییلاق دچار آشفتگی شده است. از آنجا که زمان انجام کوچ و به تبع آن، زمان ورود عشاير به همراه دام‌ها به مراتع ییلاقی و قشلاقی در مدیریت صحیح مراتع از اهمیت زیادی برخوردار است، این بی‌نظمی می‌تواند پیامدهای مختلفی هم بر زندگی عشاير و هم بر پایداری و سلامت مراتع داشته باشد. به همین علت، تلاش زیادی از سوی دولت انجام می‌شود تا کوچ عشاير به نحوی سامان یابد که با معیارهای حفاظت از مراتع سازگار باشد.

یکی از مهمترین دلایل بی نظمی موجود در کوچ عشاير، نبود ساختار اجتماعی مشخص در میان عشاير است. در واقع، عشاير با سه عنصر؛ یعنی عنصر قibile‌ای (به عنوان سازمان اجتماعی)، عنصر کوچ‌نشينی (به عنوان شيوه معيشت) و عنصر دامداری (به عنوان شيوه تولید) شناخته می شوند (شهبازی، ۱۳۶۹: ۲۵). امروزه، ساختار اجتماعی عشاير دچار تغييرات شدیدی شده و عشاير کوچنده را با ناهماهنگی ها و پسافتادگی های فرهنگی زيادي مواجه كرده است (نيك خلق، ۱۳۸۳، ۱۰). در الواقع، رواج پديده مدرنيسم به فروپاشي نظام قibile‌ای و پيامدهای بعدی مانند مشكلات مربوط به ايل راهها و اتراق گاههای عشايری منجر شد (بهشتی، ۱۳۷۷: ۸۶). به اين ترتيب و با از بين رفتن عنصر اول؛ یعنی عنصر قibile‌ای، نه تنها عناصر ديگر مانند کوچ‌نشينی تحت تأثير قرار گرفتند، بلکه موجب شد عشاير کار كرد گذشته و بسياري از نقش‌های سنتی خود در جامعه ايران را از دست بدنهن. در اين شرایط و با نبود ساختار ايلی از يك طرف و بروز تحولات اجتماعی-اقتصادی از طرف ديگر، عرصه زندگی به سبک سنتی بر عشاير تنگ‌تر شده است؛ برای مثال، يك مطالعه انجام شده در استان آذربایجان شرقی نشان داده است که روز به روز شيوه کوچ عشاير از روش سنتی به شيوه ماشينی تبدیل می شود و تقریباً نقل و مکان سنتی خانوارهای عشايری از قشلاق به ییلاق و برعکس، در حال منسوخ شدن است (بهشتی، ۱۳۷۷: ۱۰۷). دلایل ديگر را می توان در از بين رفتن مراتع میان‌بند، نبود اطمینان خاطر از حفظ و نگهداری مراتع قطب مخالف (به ویژه مراتع ییلاقی)، بسته شدن ايل راهها و تخريب و تصرف اراضی مسیر کوچ، مشكلات حمل و نقل دام، ازدياد دام و نبود تعادل بين دام و مرتع و در نتيجه، کمبود علوفه جستجو کرد. همچنین، تصرف مراتع و گذر گاههای کوچ عشاير موجب شده است تا عشاير زمان ماندن در قشلاق را کوتاه‌تر کنند و در زمان نامناسب مانند فروردین و حتی اسفند به سمت مراتع ییلاقی حرکت نمایند (زند رضوی، ۱۳۷۱). به همین دليل، بهره‌برداری رقابتی از مراتع شدیداً در بين عشاير رواج یافته و تنظیم زمان کوچ مناسب به صورت يك چالش درآمده است.

در مجموع، سیر تحولات رُخ داده در زندگی عشاير نه فقط موجب تضعيف فرهنگ مرتعداری در بين آنان شده است (ترکان، ۱۳۸۴: ۸۸)، بلکه کوچ‌نشينی را به عنوان يك شيوه معيشت تحت تأثير قرار داده است؛ به طوري که برخی معتقدند فروپاشي نظام ايلی و توسعه شهرنشينی مانع از ادامه حیات شيوه دامداری کوچندگی است (بخشنده‌نصرت، ۱۳۷۴). آمارها نيز بيانگر کاهش نسبي جمعيت عشاير در کشور است. در نيمه دوم قرن ۱۹ ميلادي، حدود ۲۵ تا ۵۰ درصد جمعيت ايران را عشاير تشکيل می دادند (شهبازی، ۱۳۶۹). طبق آمار سال ۱۲۶۰ شمسی، اين ميزان به ۲۵ درصد و در سال ۱۳۶۰ به ۲/۹۵ درصد رسيده است. طبق سرشماری سال ۱۳۸۷، جمعيت عشاير کشور ۱۱۸۶۸۳۰ نفر در قالب ۲۱۲۶۰ خانوار بوده است. اين جمعيت نسبت به سرشماری سال ۱۳۷۷، ۹ درصد کاهش را نشان می دهد. در سال ۱۳۸۷، جمعيت عشاير کوچنده ییلاقی استان فارس برابر ۱۳۲۲۷۷ نفر گزارش شده است (مرکز آمار ايران، ۱۳۸۸). على رغم کاهش نسبي تعداد عشاير، معيشت‌های مبتنی بر کوچ و شيوه تولید متکی بر دامداری هنوز در کشور وجود دارند و به رسميت شناخته می شوند؛ به طوري که سازمان امور عشاير متولی رسيدگی به امور اين بخش از جامعه و خدمت‌رسانی به آنهاست.

اما چرا کوچ زودرس پديدهای نامناسب محسوب می شود؟ يكی از دلایل، تأثير مُخرب اين پديده بر مراتع کشور است. مراتع از ویژگی‌هایی، مانند: گوناگونی و پراکندگی، وابستگی به الگوهای فصلی، متفاوت بودن در طی زمان و غيرقابل پيش‌بینی بودن از نظر اقلیمی بدخوردارند (نری، ۲۰۰۷: ۴). به همین دليل، استفاده مناسب از مراتع نيازمند

مدیریت صحیح چرای دام است. در علم مرتعداری، زمان ورود و خروج دام به مرتع باید هنگامی باشد که گیاهان به حداقل رشد و تولید خود رسیده باشند تا ضمن به حداقل رسیدن آسیب‌پذیری پوشش گیاهی، علوفه بیشتری در اختیار دام قرار گیرد. در این هنگام، چنانچه گیاهان به بذر نشسته باشند، حرکت دام در مرتع به پراکنده شدن بذر و مخلوط شدن با خاک کمک می‌کند. بدین ترتیب، بدور گیاهان شرایط مناسب‌تری برای رشد در فصل مناسب خواهد داشت. با افزایش پوشش گیاهی مرتع، فرسایش خاک کمتر می‌شود و نفوذ آب در خاک نیز تسهیل خواهد شد. تجربه عملی درباره رعایت طول مدت بهره‌برداری و زمان ورود و خروج دام به مرتع نشان داده است که این روش یکی از ارزان‌ترین و مؤثرترین راههای بهبود وضعیت کمی و کیفی پوشش گیاهی است؛ به طوری که اجرای مناسب زمان ورود و خروج دام در مراتع ییلاقی می‌تواند سالانه حداقل ۲۰ درصد به تولید مرتع و در همین حدود به پوشش گیاهی آن بیفزاید (صباحی، ۱۳۷۹)؛ اما ورود نابهنه‌گام دام به مرتع و چرای بدون برنامه زمان‌بندی، از طریق چرای زودرس گیاهان به کیفیت و سلامت مرتع آسیب خواهد رساند.

از دلایل دیگر می‌توان به پیامدهای اجتماعی کوچ زودرس اشاره کرد. معمولاً در گذشته، ایل‌های عشايری زمان کوچ خود را به نحوی تنظیم می‌کردند که در مسیر به یکدیگر برخورد نکنند و از این نظر کمترین مزاحمت برای یکدیگر داشته باشند. با ناسامانی زمان کوچ، احتمال برخورد عشاير با یکدیگر در طول مسیر افزایش یافته است که خود می‌تواند موجب درگیری و نزاع بین عشاير شود. همچنین، بدون یک جدول زمانی مناسب برای کوچ، خدمت‌رسانی به عشاير مشکل می‌گردد؛ برای مثال، ارائه خدمات آموزشی مانند تشکیل کلاس‌های درس برای فرزندان عشاير منوط به دانستن این است که خانوارهای عشاير در چه موقع در کجا هستند. این موضوع برای ارائه خدمات دیگر مانند: خدمات دامپزشکی، بیمه‌دام، تأمین آب شرب و تأمین سوخت‌های فیزیلی مانند نفت و گاز نیز صادق است. از دیگر پیامدهای ناسامانی کوچ، کاهش کوچ دسته‌جمعی و افزایش کوچ انفرادی در بین خانوارهای عشايری است. از آنجا که عشاير در مسیر کوچ با خطرهای طبیعی و انسانی روبرو هستند، کوچ انفرادی می‌تواند موجب افزایش میزان خطرپذیری (ریسک) کوچ برای عشاير گردد؛ برای مثال، می‌توان به افزایش احتمال دزدیده شدن دام عشاير و یا بروز خطرات امنیتی برای آنان اشاره کرد.

با توجه به موارد یاد شده، ضرورت ساماندهی کوچ عشاير به نحوی که با معیارهای پایداری اکولوژیکی و اجتماعی سازگار باشد، بیش از پیش احساس می‌شود. در این راستا، شناسایی و تحلیل مهمترین عوامل مؤثر بر کوچ زودرس عشاير می‌تواند شناخت بهتری از وضعیت موجود کوچ به دست دهد. پژوهش حاضر با این هدف و درباره عشاير استان فارس انجام شده است.

داده‌ها و روش پژوهش

این پژوهش به روش تحقیق پیمایشی^۱ انجام شده است. در این راستا، از روش نمونه‌گیری تصادفی خوش‌های^۲ استفاده شد. بدین منظور، ابتدا با بررسی منابع مختلف، طوایف و تیره‌های مختلف عشاير در استان فارس شناسایی گردیدند

(موستوفی الممالکی، ۱۳۷۷؛ نجفی، ۱۳۸۰). به طور کلی، سه ایل عشايري به نام‌های ایل قشقایي، ایل خمسه و ایل ممسني در استان فارس مستقر هستند. ایل قشقایي از ۶ طایفه و ۲۰۳ تیره، ایل خمسه از ۵ طایفه و ۱۲۵ تیره و ایل ممسني از ۴ طایفه و ۲۴ تیره تشکيل شده است. در مرحله بعد، ۱۰ ادرصد تيره‌های هر طایفه از هر ایل، به طور تصادفي انتخاب شدند. بدین منظور، به طور تصادفي ۲۰ تیره از ایل قشقایي، ۱۲ تیره از ایل خمسه و ۳ تیره از ایل ممسني انتخاب شدند (جدول ۱). آنگاه در هر تیره به صورت تصادفي، ۷ خانوار عشايري انتخاب شدند. بدین ترتيب، در اين مطالعه، ۲۴۵ خانوار از ۳۵ تيره عشاير، حجم نمونه پژوهش را تشکيل دادند. ابزار جمع آوري اطلاعات، شامل پرسشنامه منظم حاوی سؤال‌های بسته و تعدادي سؤال‌ها باز بود. روایي صوری^۳ پرسشنامه توسط متخصصان تأييد شد. پايابي^۴ نيز با انجام يك مطالعه راهنماء^۵ در بين عشاير خارج از محدوده مطالعه اصلی، آزمون شد. پرسشنامه‌ها از طریق مصاحبه حضوری با سپرست خانوارهای عشايري تکمیل شد. در مجموع و با اين روش، ۲۴۸ پرسشنامه تکمیل گردید. متغير وابسته در اين تحقیق عبارت از تعداد روزهایی است که عشاير زودتر از موعد توصیه شده وارد مراعع ییلاقی می‌شوند. شایان ذکر است که از طرف ستاد کوچ استان فارس، تاریخ توصیه شده برای ورود دام به مراعع ییلاقی، ۲۵ اردیبهشت است. متغيرهای مستقل مورد بررسی عبارتند از: شرایط کوچ دام (شامل: نوع کوچ دام، طول مسیر کوچ، مدت زمان طی مسیر کوچ)، ویژگی‌های فردی عشاير (سن، سطح تحصیلات، بعد خانوار)، ویژگی‌های اقتصادي عشاير (تعداد دام، تعداد حیوان باربر، میزان اجاره مرتع، نوع سرپناه، تعداد وسیله نقلیه).

جدول ۱) نام طایفه‌ها و تیره‌های مورد مطالعه

نام طایفه	نام تیره‌های انتخابی
ایل قشقایي	
کشکولي بزرگ	آرخلو، گشتاسي، بیگدلی، دیزجاني، غوري
کشکولي کوچک	لک
عمله	صفی خانی، گله زن، نمدي، گور کانی، طبی
فارسیدان	قره میر شاملو، توابع
دره شوري	خیراتلو، چهار بیزه بزرگ، جانیازلو، قره قانی، عثمانلو
شش بلوکي	کوهی، دوقرلو
ایل خمسه	
ابنالو	بیات، دیندارلو
باصري	لیوموسی، علی شاهقلی
بهارلو	صفی خانی، سليماني
عرب (جباره و شیبانی)	یوزباشي، لبردانی، میر کی، عبدالیوسفی
نفر	کردشلوی، سنجارلو
ایل ممسني	
جاويد	احمد هارونی
دشمن زياري	كله سياهي
بکش	عمله آلمير
رسم	بهمن ياري

۲-Cluster Random Sampling

۳- Face Validity

۴- Reliability

۵- Pilot Study

یافته‌های پژوهش

مشخصات عمومی عشاير مورد مطالعه

یافته‌ها نشان می‌دهند میانگین سن پاسخگویان برابر $50/6$ سال است. همچنین، میانگین بعد خانوار برابر $6/95$ نفر، میانگین دام (گوسفند و بز) برابر 224 رأس و میانگین طول مسیر کوچ عشاير برابر $340/5$ کیلومتر است که به طور متوسط آن را در $22/2$ روز می‌پیمایند. بدین ترتیب، سرعت کوچ قشلاق به يلاق به طور متوسط برابر $15/3$ کیلومتر در روز است. یافته‌ها نشان می‌دهد عشاير مورد مطالعه از نظر سطح تحصیلات در وضع مناسبی به سر نمی‌برند؛ به طوری که بیش از نیمی از آنان بی‌سواد هستند و سواد نزدیک به یک پنجم نیز در حد خواندن و نوشتن است (جدول ۲).

جدول ۲) مشخصات عمومی عشاير مورد مطالعه

درصد	گروه‌ها	مشخصات
۱۱/۵	۲۲-۳۵	سن (سال)
۵۷/۴	۳۶-۵۵	
۲۹/۵	>=۵۶	
۱/۶	بدون جواب	
۵۳/۶	بی‌سواد	سطح تحصیلات
۱۹/۸	خواندن و نوشتن	
۱۲/۱	ابتدایی	
۸/۱	راهنمایی	
۴/۴	دبیرستان	
۰/۸	فوق‌دیپلم	
۱/۲	بدون جواب	
۲/۳	۲	بعد خانوار (نفر)
۲۹/۱	۳-۵	
۶۷/۶	>=۶	
۲	۲۰-۵۰	تعداد دام (گوسفند و بز)
۱۱/۷	۵۱-۱۰۰	
۱۸/۲	۱۰۱-۱۵۰	
۸/۴	۱۵۱-۲۰۰	
۴۱/۲	۲۰۱-۳۰۰	
۱۸/۵	>=۳۰۱	
۸۶/۷	پیاده	نوع کوچ دام (قشلاق به يلاق)
۱۰/۱	با ماشین	
۲/۸	پیاده+ماشین	
۰/۴	بدون جواب	
۲/۳	۳۰-۱۰۰	طول مسیر کوچ (کیلومتر)
۲۸/۴	۱۰۱-۳۰۰	
۵۴/۲	۳۰۱-۵۰۰	
۴/۱	>=۵۰۱	
۲/۴	بدون جواب	
۹۸/۸	جادر	نوع سرپناه در قشلاق
۰/۸	خانه	
۰/۴	هردو	
۹۵/۲	جادر	نوع سرپناه در يلاق
۴/۴	خانه	

وضعیت کوچ بهاره

برای بررسی کوچ بهاره عشاير (قشلاق به یيلاق) نياز به دانستن اطلاعات درباره سه متغير است: اول، زمان ترک مراتع قشلاقی و شروع کوچ به سمت یيلاق؛ دوم، مدت زمان طی مسیر کوچ از قشلاق به یيلاق؛ سوم، زمان مجاز ورود دام به مراتع یيلاقی (طبق اعلام ستاد کوچ فارس، عشاير مجازند از تاريخ ۲۵ اردیبهشت وارد مراتع یيلاقی استان شوند). يافته ها نشان می دهند زمان شروع کوچ عشاير فارس از ۱۰ اسفندماه آغاز می شود و تا ۱۹ خرداد ادامه داشته است. همچنین، به طور ميانگين تاريخ شروع کوچ بهاره عشاير از ۲۰/۹ روز بعد از اول فروردین؛ یعنی حدود ۲۱ فروردین ماه آغاز شده است (جدول ۳).

جدول ۳) توزيع پراکندگي نمونه هاي مورد مطالعه بر حسب تاريخ شروع کوچ بهاره

انحراف معیار	ميانگين	ادame تا	روز شروع*	کوچ بهاره (قشلاق به یيلاق)
۲۰	۲۰/۹	۸۱	-۱۹	

مبدأ محاسبه روز شروع و ادامه کوچ، اول فروردین ماه و با احتساب اسفند ۲۹ روزه است

با دانستن اين اطلاعات می توان مدت زمان ورود زودهنگام به مراتع یيلاقی را محاسبه کرد. به منظور محاسبه تاريخ ورود دام عشاير کوچرو به مراتع یيلاقی از فرمول زير استفاده شد. شایان ذكر است مبدأ محاسبه اول فروردین ماه در نظر گرفته شده است.

مدت زمان طی مسیر کوچ از قشلاق به یيلاق + تاريخ شروع کوچ از قشلاق به یيلاق = تاريخ ورود دام به مراتع یيلاقی

بدين ترتيب، هر چه تفاوت عدد محاسبه شده برای تاريخ ورود دام به مراتع یيلاقی، با تاريخ مجاز اعلام شده برای ورود دام به مراتع، بيشتر باشد، به اين معني است که عشاير زودتر وارد مراتع شده و به اصطلاح کوچ زودرس داشته اند. يافته ها نشان می دهند مدت زمان طی مسیر کوچ عشاير از ۱ تا ۶۰ روز متغير است و ميانگين آن برابر ۲۲/۲ است. اين در حالی است که بر اساس فرمول بالا، عشاير از ۱۷ اسفندماه تا ۱۳ تيرماه وارد مراتع یيلاقی شده اند و متوسط آن برابر ۱۲ اردیبهشت ماه است (جدول ۴). جدول (۵) ميزان زمان ورود زودهنگام عشاير را بر حسب تفاوت تاريخ ورود آنان به مراتع یيلاقی و تاريخ مجاز ورود دام به اين مراتع را نشان می دهد. بر اساس يافته ها، عشاير حداکثر ۶۸ روز زودتر و حداکثر ۵۰ روز ديرتر از تاريخ مجاز (۲۵ اردیبهشت) وارد مراتع یيلاقی می شوند. ميانگين زمان ورود زودهنگام عشاير مورد مطالعه به مراتع یيلاقی برابر ۱۲/۸۴ روز به دست آمد که نشان می دهد عشاير کوچرو به طور متوسط نزديك به ۱۳ روز زودتر از موعد مجاز وارد مراتع یيلاقی می شوند.

جدول ۴) زمان ورود عشایر به مراتع بیلاقی

انحراف معیار	نما	میانه	میانگین	تاریخ ورود
۲۴/۱۱	۴۵	۴۲	۴۲/۱۶	

مبدأ محاسبه اول فروردین ماه است

جدول ۵) میزان ورود زودهنگام عشایر به مراتع بیلاقی

انحراف معیار	نما	میانه	میانگین	میزان ورود زودهنگام
۲۴/۱۲	۱۰	۱۳	۱۲/۸۴	

بر حسب روز

رابطه ورود زودهنگام به مراتع بیلاقی و شرایط اجتماعی-اقتصادی عشایر

برای بررسی ارتباط بین میزان ورود زودهنگام عشایر به مراتع بیلاقی و ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی آنان، به محاسبه ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرها و تحلیل واریانس بین گروه‌های مختلف عشایر اقدام گردید. همان‌طور که جدول (۶) نشان می‌دهد، از بین متغیرهای مورد بررسی، طول مسیر کوچ و مدت زمان طی مسیر کوچ، دارای ارتباط منفی و معنی‌دار با میزان ورود زودهنگام عشایر به مراتع بیلاقی هستند. به بیان دیگر، هر چه طول مسیر کوچ و یا مدت زمان طی مسیر کوچ افزایش یابد، از میزان ورود زودهنگام به مراتع بیلاقی کاسته می‌شود؛ اما بین میزان اجاره مرتع در بیلاق با ورود زودهنگام عشایر به مراتع بیلاقی یک رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد؛ بدین معنی که هر چه عشایر در بیلاق میزان مرتع بیشتری را اجاره کنند، در هنگام کوچ نیز زودتر وارد مراتع بیلاقی می‌شوند و بر عکس.

جدول ۶) همبستگی میزان ورود زودهنگام به مراتع بیلاقی با برخی متغیرهای اجتماعی-اقتصادی عشایر

متغیر	میزان ورود زودهنگام	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی‌داری (sig)
سن (سال)	-۰/۰۱۷	-۰/۰۱۷	۰/۳۹۸
تعداد دام (رأس)	۰/۱۰	۰/۱۰	۰/۰۶۶
تعداد حیوان باربر (رأس)	۰/۰۰۹	۰/۰۰۹	۰/۴۴۵
بعد خانوار (نفر)	۰/۰۶۸	۰/۰۶۸	۰/۱۵۵
طول مسیر کوچ (کیلومتر)	-۰/۳۵	-۰/۳۵	۰/۰۰۰
مدت زمان طی مسیر کوچ (روز)	-۰/۰۵۹	-۰/۰۵۹	۰/۰۰۰
میزان اجاره مرتع در قشلاق (هکتار)	۰/۰۴۳	۰/۰۴۳	۰/۲۵۵
میزان اجاره مرتع در بیلاق (هکتار)	۰/۲۰	۰/۲۰	۰/۰۰۱

مقایسه ایل‌های عشایری فارس از نظر میزان ورود زودهنگام به مراتع بیلاقی نشان می‌دهد، عشایر ایل ممسنی به طور متوسط بسیار بیشتر از دو ایل دیگر (یعنی حدود ۴۱ روز) زودتر از موعد مقرر وارد مراتع بیلاقی می‌شوند و ورود زودهنگام به مراتع بیلاقی در بین آنان بسیار شایع و زیاد است. این میزان برای عشایر ایل قشقایی حدود ۱۷ روز و برای

عشایر ایل خمسه حدود ۲ روز است. این نشان می‌دهد عشاير ایل خمسه بیش از دو ایل دیگر، زمان مقرر برای ورود به مراعع بیلاقی را مراعات می‌کنند. همچنین، نوع کوچ دام می‌تواند در میزان ورود زودهنگام به مراعع بیلاقی مؤثر باشد؛ به طوری که عشايری که دام‌های آنان به صورت پیاده و یا بخشی از آنها به صورت پیاده و بخشی دیگر با ماشین مسیر کوچ را طی می‌کنند، با عشايری که دام‌های خود را صرفاً با ماشین جابه‌جا می‌کنند، از نظر آماری تفاوت معنی‌داری در میزان ورود زودهنگام به مراعع بیلاقی دارند و گروه اخیر، بسیار بیشتر از دو گروه دیگر (حدود ۳۳ روز) زمان مقرر برای ورود به مراعع بیلاقی را نادیده می‌گیرند. این یافته نشان می‌دهد جابه‌جایی دام فقط با استفاده از ماشین می‌تواند اثر زیادی در ورود زودهنگام دام به مراعع بیلاقی داشته باشد؛ اما از نظر برخورداری از سواد، تفاوتی از نظر میزان زمان ورود زودهنگام آنان به مراعع بیلاقی وجود ندارد^۶ (جدول ۷).

جدول ۷) مقایسه عشاير کوچرو از نظر نوع ایل، نوع کوچ دام و سواد در ارتباط با میزان ورود زودهنگام به مراعع بیلاقی

Sig.	F	میانگین*	سطوح متغیر	متغیر
.00000	14/۳۲	۱۷/۴۶ ^a ۲/۱۴ ^b ۴۱/۴۲ ^c	قشلاقی خمسه ممسمی	ایل
.00000	10/۴۳	۱۰/۶۹ ^a ۳۳/۳۷ ^b ۸/۱۴ ^{ac}	پیاده با ماشین پیاده+ماشین	نوع کوچ دام
.0482	.070	۱۲/۱۰ ۱۴/۶۰	بی‌سواد باسواد	سواد

* میانگین ورود زودهنگام به مراعع بیلاقی بر حسب روز میانگین‌های دارای حروف لاتین مشابه با یکدیگر تفاوت معنی‌داری ندارند

کوچ جمعی یا انفرادی

نتایج نشان می‌دهند ۸۷/۹ درصد عشاير، کوچ خود را به همراه سایر خانوارهای عشايری و به صورت دسته‌جمعی انجام می‌دهند و تنها ۸/۱ درصد آنان به صورت انفرادی کوچ می‌کنند (جدول ۸). اگرچه کوچ جمعی بهتر می‌تواند به افزایش امنیت عشاير کوچنده کمک نماید؛ اما یافته‌های مطالعه حاضر نشان می‌دهد حدود ۸۵ درصد از عشاير امنیت خود را در هنگام کوچ در حد خیلی کم و کم ارزیابی کرده و ۶۵/۳ درصد از آنان به طور متوسط ۲/۲ بار در سه سال گذشته مورد سرقت دام قرار گرفته‌اند.

تصمیم برای آغاز کوچ

۶- شایان ذکر است در مطالعه حاضر به ویژگی‌های دیگر عشاير، مانند: داشتن چوبان، قرقبان، زراعت، باغ، طرح مرتعداری و شغل دوم پرداخته شد؛ اما به علت برخورداری تعداد کمی از عشاير مورد مطالعه (کمتر از ۳۰ نفر) از ویژگی‌های مذکور، این پارامترها از نظر آماری قابل استفاده در آمار استنباطی مانند تحلیل واریانس در مقایسه میانگین‌ها نبودند.

از پاسخگویان خواسته شد بیان کنند برای آغاز زمان کوچ به چه صورت تصمیم می‌گیرند. نتایج این بررسی نشان می‌دهد ۵/۲ درصد از عشاير مورد مطالعه برای زمان آغاز کوچ خود به صورت شخصی و انفرادی تصمیم می‌گیرند؛ در حالی که ۸۷/۱ درصد آنان این تصمیم را به صورت گروهی با سایر خانوارها و ۷/۳ درصد این تصمیم را با مشورت با ریش‌سفیدان اتخاذ می‌کنند (جدول ۸).

مشکل گیاه بهمن در مراتع قشلاقی

یکی از عواملی که می‌تواند در قشلاق برای دام‌های عشاير ایجاد مشکل و مزاحمت کند و موجبات تسریع و جلو افتادن تاریخ کوچ آنان را فراهم آورد، وجود گیاه بهمن^۷ در مراتع قشلاقی است. این گیاه در اواخر دوره رشد خود می‌تواند موجب صدمه زدن به دهان دام و یا فرورفتن در سُم یا پوست دام شود و بدین ترتیب دام را مجرح نماید. بنابراین، از عشاير مورد مطالعه سؤال شد آیا با مشکل گیاه بهمن در مراتع قشلاقی مواجه هستند یا خیر و در صورت مثبت بودن جواب، این مشکل باعث می‌شود چند روز زودتر از آنچه که قادر به ماندن در قشلاق بوده‌اند، کوچ خود را به سمت ییلاق آغاز کنند. نتایج این بررسی نشان می‌دهد ۹۰/۳ درصد عشاير مورد مطالعه در قشلاق با مشکل گیاه بهمن مواجه‌اند و این مشکل به‌طور متوسط باعث می‌شود آنان ۱۸ روز زودتر اقدام به آغاز کوچ به سمت مراتع ییلاقی نمایند (جدول ۸).

جدول ۸) توزیع عشاير مورد مطالعه بر حسب نوع کوچ، نوع تصمیم کوچ و مشکل گیاه بهمن

درصد	پاسخ‌ها	موارد
۸۷/۹	دسته‌جمعی	نوع کوچ
۸/۱	انفرادی	
۴	بدون جواب	
۵/۲	شخصی	نوع تصمیم کوچ
۸۷/۱	گروهی با سایر خانوارها	
۷/۳	مشورت با ریش‌سفیدان	
۰/۴	بدون جواب	
۹۰/۳	بلی	وجود مشکل گیاه بهمن
۸/۱	خیر	
۱/۶	بدون جواب	

تأثیر خشکسالی و ترسالی بر تاریخ شروع کوچ

به منظور بررسی تأثیر خشکسالی‌ها یا ترسالی‌ها بر تاریخ شروع کوچ از قشلاق به ییلاق، از عشاير در این باره سؤال شد. نتایج نشان می‌دهند عشاير در سال‌های خشکسالی به‌طور متوسط ۲۵/۷ روز زودتر از قشلاق به ییلاق (در مقایسه با سال‌های عادی) کوچ خود را آغاز می‌کنند. در مقابل، اگر ترسالی اتفاق افتد، عشاير ۲۲/۲ روز دیرتر از قشلاق به ییلاق

۷-Stipa capensis

(در مقایسه با سال‌های عادی) کوچ خود را شروع می‌کنند. به این ترتیب، می‌توان میزان تأثیر و اهمیت خشکسالی‌ها و یا ترسالی‌ها بر تاریخ آغاز کوچ عشاير استان فارس را بهتر درک کرد (جدول ۹).

جدول ۹) میزان تأثیر خشکسالی یا ترسالی بر تغییر تاریخ آغاز کوچ قشلاق به بیلاق

موارد	میانگین	نما	میانه	انحراف استاندارد
خشکسالی				
جلو افتادن کوچ (روز)	۲۵/۷	۳۰	۳۰	۸/۵
ترسالی				
تأخر افتادن کوچ (روز)	۲۲/۲	۳۰	۲۰	۸/۴

مهمترین عوامل کوچ زودرس از دید عشاير

برای بررسی این موضوع از عشاير مورد مطالعه خواسته شد تا پنج عامل مهم در کوچ زودرس از قشلاق به بیلاق را به ترتیب اهمیت شماره‌گذاری کنند. این پنج مورد عبارتند از: ۱- گرمای بیش از حد؛ ۲- کمبود علوفه؛ ۳- کمبود آب؛ ۴- مدرسه بچه‌ها و ۵- حرکت سایر دامداران. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد عشاير مورد مطالعه، اولویت اول را به ترتیب به کمبود آب، کمبود علوفه، گرمای بیش از حد، حرکت سایر دامداران و مدرسه بچه‌ها داده‌اند (جدول ۱۰). شایان ذکر است که زمان کوچ بدین دلیل می‌تواند از مدرسه بچه‌ها تأثیر پذیرد که عشاير مجبورند زمان کوچ خود را به نحوی تنظیم کنند که بچه‌های آنان بتوانند بموضع و در مکان مناسب در کلاس‌های درس و یا مدارس حضور پیدا کنند.

جدول ۱۰) توزیع نظرهای عشاير مورد مطالعه بر حسب مهمترین عامل بروز کوچ زودرس

نام عامل	فرآوانی ذکر شده	درصد
کمبود آب	۱۰۰	۴۰/۳
کمبود علوفه	۸۷	۳۵/۱
گرمای بیش از حد	۴۱	۱۶/۵
حرکت سایر دامداران	۱۱	۴/۴
مدرسه بچه‌ها	۵	۲

نتیجه‌گیری

کوچ و کوچ‌نشینی به عنوان یک روش زندگی و معاش و راه حلی برای سازگاری با طبیعت محسوب می‌شود. کوچ عشاير برای قرن‌ها به صورت پایدار و سازگار با محیط زیست در کشور ما وجود داشته است؛ اما با از بین رفتن یکی از ارکان سنتی جامعه عشايری؛ یعنی ساختار اجتماع ایلی، به نظر می‌رسد کوچ فعلی عشاير نه در راستای پایداری و حفظ منابع طبیعی باشد و نه زندگی و معاش توأم با رفاه و آسایش نسبی برای عشاير را به همراه داشته باشد. واقعیت این است که کوچ عشاير دچار نابسامانی است؛ به طوری که خانوارهای عشايری بدون هیچ محدودیت جدی، قادر به جابه‌جايی در خارج از زمان مناسب و در طول سال هستند. بی‌نظمی کوچ عشاير نه تنها خدمات رسانی مناسب به آنها را دچار مشکل می‌کند، بلکه با ورود زودهنگام دام عشاير به مرتع، موجب مدیریت ناصحیح چرای دام در مرتع و در نهایت، تخریب

مرا תע می‌شود. از آنجا که عشاير برای گذران زندگی به دامداری متکی به مرتع وابسته‌اند، هرگونه آسیب به مرتع به معنای آسیب به منابع تولید و در نتیجه گسترش فقر در بین آنان است. به همین دلیل، امروزه تلاش زیادی برای ساماندهی به کوچ عشاير در حال انجام است تا آن را با معیارهای توسعه پایدار و از جمله پایداری اکولوژیک سازگار نماید. به همین دلیل، شناخت مهمترین عوامل ایجاد کوچ زودرس در بین عشاير می‌تواند اطلاعات مفیدی از وضعیت کوچ عشاير را در اختیار برنامه‌ریزان و متولیان امور عشاير بگذارد.

مطالعه حاضر نشان داد زمان شروع کوچ بهاره عشاير فارس از ۱۰ اسفندماه آغاز می‌شود و تا ۱۹ خرداد ادامه دارد و میانگین آن ۲۱ فروردین ماه است. این در حالی است که کوچ زودرس بهاره و ورود زودهنگام دام به مرتع بیلاقی در بین عشاير فارس عمومیت دارد و آنان به طور متوسط نزدیک به ۱۳ روز زودتر از تاریخ مقرر و مناسب وارد مرتع بیلاقی استان می‌شوند. از این نظر، عشاير کوچنده ایل مسمی (با حدود ۴۱ روز)، ایل قشقایی (با حدود ۱۷ روز) و ایل خمسه (با حدود ۲ روز) به ترتیب، در رتبه‌های اول تا سوم جای می‌گیرند. اگرچه این تاریخ‌ها می‌توانند به عنوان مبنای برای تعیین زمان آغاز کوچ عشاير فارس مذکور قرار گیرند؛ اما باید توجه داشت که زمان کوچ تحت تأثیر علل مختلف و از جمله شرایط آب و هوایی است. از این‌رو، نیاز است در هر سال و با استفاده از برآوردهای مناسب، زمان کوچ عشاير و ورود آنان به مرتع بیلاقی پیش‌بینی شود.

پیشنهادها

۱- یافته‌ها نشان داد که اکثر عشاير به صورت پیاده کوچ می‌کنند و این روش در مقایسه با روش‌های دیگر (مانند کوچ با ماشین) می‌تواند به کاهش میزان ورود زودهنگام دام به مرتع بیلاقی بینجامد. به بیان دیگر، جابه‌جایی دام فقط با استفاده از ماشین می‌تواند اثر زیادی در افزایش ورود زودهنگام دام به مرتع بیلاقی داشته باشد. بنابراین، اندیشیدن تمهیدات مناسب مانند صیانت از ایل راه‌های عشايري و گماشتن قربان برای مرتع بیلاقی به منظور اطمینان از چرانده نشدن این مرتع توسط دیگر دامداران، هم می‌تواند به افزایش این نوع کوچ در بین عشاير بینجامد و هم عشاير فرصت استفاده از مرتع میان‌بند را بیشتر خواهد داشت که خود به افزایش زمان طی مسیر کوچ و در نتیجه، ورود بهنگام دام به مرتع بیلاقی کمک زیادی می‌نماید.

۲- نتایج مطالعه حاضر نشان داد که عشاير در هنگام کوچ احساس امنیت کافی ندارند. نبود امنیت در طی مسیر کوچ می‌تواند موجب اخلال در نظم کوچ شود. بنابراین، پیشنهاد می‌شود سازمان‌های ذی‌ربط در افزایش تأمین امنیت کوچ عشاير تلاش بیشتری انجام دهند. در این راستا، ایجاد و تجهیز مراکز یا نقاطی در طول مسیر کوچ عشاير به عنوان اتراقگاه‌های موقت به منظور تأمین خدمات حمایتی دام، می‌تواند مفید باشد.

۳- با توجه به رایج بودن کوچ جمعی و تصمیم‌گیری گروهی برای این کار در بین عشاير، این زمینه فراهم است که با ارائه آموزش‌های ترویجی مناسب، بتوان در بین بنکوههای عشايري، تعدادی از خانوارها را با اهمیت و پیامدهای کوچ زودرس آشنا ساخت و با این کار این احتمال وجود دارد آنان در هنگام کوچ، سایر خانوارهای عشايري را به رعایت زمان ورود بموقع و مناسب به مرتع تشویق کنند. علاوه بر این، از این ظرفیت می‌توان در ایجاد تشکلهای مناسب عشايري برای ساماندهی به کوچ استفاده کرد.

۴- نتایج بیانگر این است که غالب عشاير با مشکل گیاه بهمن در مراتع قشلاقی خود مواجه هستند و اين مشکل باعث می شود آنان به طور متوسط ۱۸ روز زودتر مجبور به ترک مراتع قشلاقی و حرکت به سمت مراتع ييلاقی شوند. بنابراین، پیشنهاد می شود مطالعات و اقدامات لازم برای کنترل گیاه بهمن در مراتع قشلاقی عشاير انجام پذیرد و آموزش های لازم در اين باره به عشاير ارائه شود.

۵- نتایج نشان داد که از دید عشاير، مهمترین عامل در کوچ زودرس، ابتدا کمبود آب و دوم، کمبود علوفه است. از اين رو، برای کاهش مشکل کوچ زودرس عشاير، لازم است ابتدا با روش های مناسب نسبت به تأمین آب مورد نياز آنان اقدام گردد. اين روش ها صرفاً روش هاي مانند آبرسانی با تانکر نیست، بلکه ترویج و بهینه سازی روش هاي بومي تأمین آب در مراتع مانند سطح صيقل، به دليل سازگاري و پايداري آنها، باید مورد توجه باشند.^۸ همچنين، به دليل اهميت حفاظت و ارزش محيط زیستی مراتع در توسعه پايدار، جا دارد در سال هاي خشکسالی، بخشی از علوفه مورد نياز دام هاي عشاير با قيمت مناسب در اختيارات آنان گذاشته شود تا به کاهش ميزان ورود زودهنگام دام به مراتع ييلاقی کمک نماید. اين توصيه از اين رو منطقی به نظر می رسد که برخی بررسی ها نشان داده است فقط ۴۵ درصد از نياز غذایي دام عشاير از مراتع تأمین می شود و مابقی که ۸۵ درصد هزینه هاي عشاير را به خود اختصاص می دهد، از طریق علوفه دستی جبران می گردد (بخشنده نصرت، ۱۳۷۳: ۸۷).

۶- یافته ها نشان داد که اکثر عشاير مورد مطالعه، بی سواد یا کم سواد هستند. اين واقعيت بیانگر وجود يك معضل اساسی در بين عشاير کوچنده است. بنابراین، پیشنهاد می شود ضمن درنظر گرفتن اين موضوع در ساماندهی کوچ عشاير، راهکارهای کاهش بی سوادی در بين عشاير اندیشيده شود.

تشکر و قدردانی

هزينه انجام اين پژوهش را دفتر فني مراتع سازمان جنگل ها، مراتع و آبخيزداری کشور تأمین کرده است.

منابع

- ۱- امان الهی بهاروند، اسکندر. (۱۳۹۲). کوچ نشينی در ايران، پژوهشی درباره عشاير و ایلات، شيراز: انتشارات آگاه.
- ۲- _____ (۱۳۸۳). زوال کوچ نشينی در ايران: یک جانشينی ایلات و عشاير، فصلنامه مطالعات ملی، سال ۵، ش ۱، ص ۱۸۳-۱۵۵.
- ۳- بخشندۀ نصرت، عباس. (۱۳۷۴). زمينه هاي اشتغال در اسکان عشاير، مجله دانشکده ادبیات، ش ۷، ۸، ص ۲۲۳-۲۰۷.

-۸- برای نمونه، می توان به مقاله «بررسی و بهینه سازی سازه های بومی جمع آوری آب در مراتع خشک و نیمه خشک جغرافیایی استان فارس» اشاره کرد که در آن مهمترین روش های بومی تأمین آب شرب انسان و دام در مراتع توضیح داده شده اند (شاهولی و عابدی سروستانی، ۱۳۸۵).

- ۴- بخشندۀ نصرت، عباس. (۱۳۷۳). ساماندھی تیپ‌های معيشت عشایر کوچنده، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش ۳۵، ص ۸۶-۱۰۲
- ۵- بهشتی، محمدباقر. (۱۳۷۷). دیدگاه عشایر آذربایجان شرقی در مورد کوچ و اسکان. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۱۶۶، ص ۱۱۴-۸۳
- ۶- ترکان، جواد. (۱۳۸۴). ضرورت تدوین برنامه ترویج مرتعداری به منظور بهره‌برداری اصولی عشایر از مراعع. *جهاد*، سال ۲۵، ش ۲۶۷، ص ۹۱-۸۷
- ۷- زندرضوی، سیامک. (۱۳۷۱). ایلات و عشایر کرمان: ادامه روند کوچ یا اسکان. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ش ۲، ص ۱۳۰-۱۱۲
- ۸- شاهولی، منصور و احمد عابدی سروستانی. (۱۳۸۵). بررسی و بهینه‌سازی سازه‌های بومی جمع‌آوری آب در مراعع خشک و نیمه‌خشک جغرافیایی استان فارس، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۱، ش ۱، ص ۱۰۱-۷۴
- ۹- شهبازی، عبدالله. (۱۳۶۹). مقدمه‌ای بر شناخت ایلات و عشایر، تهران: نشر نی. ۱۴۴ ص.
- ۱۰- صباحی، اسدالله. (۱۳۷۹). نقش مدیریت چرا و زمان‌بندی کوچ عشایر در طرح تعادل دام و مرتع، گزارش فنی، اداره کل منابع طبیعی استان فارس.
- ۱۱- مستوفی‌الممالکی، رضا. (۱۳۷۷). جغرافیای کوچ نشینی عمومی و ایران، با تأکید بر ایل قشقایی، تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۱۲- مشیری، سید رحیم. (۱۳۷۲). جغرافیای کوچ نشینی (مبانی و ایران)، تهران: سمت.
- ۱۳- نجفی، علی‌محمد. (۱۳۸۰). وقایع ایلات خمسه: پژوهشی در تبارشناسی ایل عرب جباره و شیبانی، تهران: مؤسسه فرهنگی همسایه.
- ۱۴- نیک‌خلق، علی‌اکبر. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی جمعیت عشایر کوچنده ایران، فصلنامه مطالعات ملی، سال پنجم، ش ۳، ص ۳۵-۹
- ۱۵- نیک‌خلق، علی‌اکبر و عسکری‌نوری. (۱۳۷۷). زمینه جامعه‌شناسی عشایر ایران، تهران: انتشارات چاپخشن.
- ۱۶- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۸). گزینه‌ناتایج سرشماری اجتماعی اقتصادی عشایر کوچنده کل کشور سال ۱۳۸۷، تهران: مرکز آمار ایران.
- ۱۷- موسوی، سید محمد. (۱۳۸۲). بعاد، پیچیدگی‌ها و راهکارهای مدیریت مرتع روستایی در ایران، گزارش داخلی منتشر نشده دفتر فنی مرتع، سازمان جنگل‌ها و مراعع کشور.
- 18- Adriansen, H. K. and T.T. Nielsen. (2002), Going where the grass is greener: On the study of pastoral mobility in Ferlo, Senegal. *Human Ecology*, 30(2): 215-226.
- 19- Grahn, R. (2008), *The Paradox of Pastoral Vulnerability: From Poverty to Power*. Oxford: Oxfam.
- 20- Jode, H. (2010), *Modern and Mobile: The Future of Livestock Production in Africa's Drylands*. UK: International Institute for Environment & Development (IIED)
- 21- Neudert, R. (2010), *The paradox of pastoral land tenure: Are solutions with individualised tenure possible? A case study from Azerbaijan*. Proceedings of ISEE Conference: Advancing Sustainability in a Time of Crisis, 22-25 August, Oldenburg and Bremen, Germany.

- 22- Niamir-Fuller, M. (1999), *Managing mobility in African rangelands: The legitimization of transhumance*. London: Intermediate Technology Publications.
- 23- Nori, M. (2007), *Mobile livelihoods, patchy resources & shifting rights: Approaching pastoral territories*. Working Draft for Discussion, International Land Coalition.
- 24- McAllister, R.R.J. (2010), Livestock mobility in arid and semiarid Australia: escaping variability in space. *Pastoralism*, 1(1): 37-54.
- 25- UNDP. (2003), *Pastoralism and Mobility in Drylands*. New York: UNDP.

